

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه

سال تحصیلی (۱۴۰۱ - ۱۴۰۲)

مشهد مقدس

توسط استاد:

سید ابوالفضل طباطبایی اشکذری

فقه‌المسجد (مسجد تراز انقلاب اسلامی)

درس پانزدهم: (۱۴۰۱/۰۸/۱۰؛ برابر با ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴)

الباب الثاني: امکانات المسجد

الثالث: قضاء حوائج الناس (تقديم الخدمات الاجتماعية للمجتمع)

همان‌طور که در جلسه گذشته گفتیم، مسجد توانمندی‌هایی دارد که ناچاریم از آن‌ها برای جامعه استفاده کنیم. اگر جامعه خواهان مسجد تمدن‌ساز است، باید از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آن بهره‌برد. استفاده از امکانات المسجد برای رسیدن به تمدن اسلامی دلخواه، به مصلحت جامعه و افراد آن است.

موضوع نقش مسجد در برآوردن نیازهای مردم از مواردی است که در ظرفیت‌های مسجد، امکان قائل شدن به آن را داریم.

«نعم ان قضاء حوائج الناس بشكل عام و قضاء حوائج المومنين بشكل خاص مما رغبتنا الاسلام عليه في جميع لحظات الحياة في مسجد كان الانسان أو في غيره؛ لكنه لا شك في أن قضاء حوائج الناس بل المومنين في المسجد كان أفضل؛ لأنه كما قلنا سابقا أن من أبعاد هوية المسجد أن جعل و أسس لأجل أن يكون ملجأ لهم؛ و واضح أن رفع حوائج الناس الى المسجد عبارة عن التجاء الناس اليه و هو تحقيق لهوية المسجد».

البته برآوردن نیازهای مردم به شکل عام و برآوردن نیازهای مؤمنین به شکل خاص از آن دسته چیزهایی است که اسلام از ما می‌خواهد که در همه‌ی لحظات زندگی (چه در مسجد و چه در جای دیگر) انجام بدهیم، لکن هیچ شکی نیست که برآوردن نیازهای مردم به‌ویژه مؤمنین در مسجد بهتر است [و به حکم عقل مدعی هستیم که انجام این کار در مسجد نسبت به سایر مکان‌ها افضل است]، زیرا همان‌طور که پیش‌تر گفتیم یکی از ابعاد هویتی^۱

۱ - هوية المسجد یعنی «بنی المسجد لأجله»، ر.ک: جلسه ۴۲ فقه در سال گذشته.

مسجد این است که ملجأ و پناهگاهی برای مردم باشد؛^۱ روشن است هنگامی که مردم برای حاجتشان به مسجد مراجعه کرده و آن را درخواست می کنند و از طرفی مسجد نیز برای برآوردن نیازهای مردم اهتمام دارد؛ معنایش تحقق هویت «التجاء الناس الى المسجد» است که یکی از ابعاد ده گانه هویة المسجد است.^۲

مردم حاجتشان را به مسجد می آورند و در برابر آن، مسجد نیز به برآوردن این حوائج و نیازهای مردم اهتمام می ورزد. پس این یک راه کار، ابزار و اسلوبی برای تحقق یک بُعد از ابعاد هویتی مسجد است و اگر این گونه است، بی گمان [انجام این کار در مسجد] افضل است، از همین رو به حکم عقل لازم است.

«ولذلك قد أفتى الفقهاء بجواز بل استحباب قضاء حوائج المؤمنين في بعض العبادات التي تتوقف أتيانها بالحضور في المسجد كالاعتكاف»؛ به همین جهت، فقها به جواز حتی استحباب برآوردن نیازهای مؤمنین در برخی از عبادت ها همانند اعتکاف که مشروط به حضور در مسجد است، فتوا داده اند به این که، «لا يجوز الخروج من المسجد في أيام الاعتكاف الا لأمر عدة؛ منها قضاء حوائج المؤمنين»؛ خروج از مسجد در ایام اعتکاف جایز نیست، مگر برای چند مورد که از جمله، برآوردن نیازهای مؤمنین باشد و این قضا حوائج المؤمنین چه مستلزم خروج از مسجد باشد و چه نباشد، مستحب است؛ مثلاً هنگامی که انسان در اعتکاف است از خرید و فروش و زدن حرف های دنیایی منع شده است و باید به عبادت های فردی و اجتماعی (جمعی) و مانند این مسائل اهتمام بورزد.

برآوردن نیازهای مؤمنین یکی از آن عباداتی است که در اعتکاف به انجام آن تأکید شده است؛ یعنی در حال اعتکاف، حاجت مؤمن را برآورده کنیم و به فکر حاجت مؤمن و نیاز وی باشیم، چه نیاز به خروج از اعتکاف در مسجد داشته باشیم و چه نداشته باشیم؛ در هر حال برآوردن نیاز مؤمن استحباب دارد و فقها نیز به این مسئله فتوا داده اند.

۱ - ر.ک: جلسه ۳۵ فقه در سال گذشته.

۲ - برای آشنایی با ابعاد ده گانه هویت مسجد ر.ک: جلسه ۲ فقه، سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲.

«مضافاً الى الادلة التي تمكن الفقيه للفتوي في مثل هذا الموارد يمكن لأحد أن يسأل سؤالاً وهو: ما هي الحكمة الكائنة

في جواز الخروج من المسجد لقضاء حوائج المؤمنين و في جواز الاهتمام به حتى في المسجد؟»

علاوه بر ادله‌ای که فقیه بر فتوای استحباب برآوردن حاجت مؤمن توانایی پیدا می‌کند، ممکن است کسی سؤال

کند که:

چه حکمتی در جواز خروج از مسجد برای رفع نیاز مؤمنان و در جواز رسیدگی به آن حتی در مسجد وجود

دارد؟

فقیه به استحباب برآوردن حاجت مؤمن در حال اعتکاف فتوا می‌دهد، درحالی‌که خروج از مسجد در ایام

اعتکاف جایز نیست، مگر برای قضای حاجت مؤمن باشد. غیر از ادله روایی، عقلی یا اجماع که فقیه برای فتوا بر

این مسئله دارد، حکمت آن چیست؟ چرا این استحباب و جواز خروج برای برآوردن نیاز مؤمن جعل شده است؟

با بیان این مقدمه، همان‌طور که گفتیم یکی از ابعاد هویتی مسجد «التجاء الناس الى المسجد» است؛ پس در

این صورت اگر کسی در مسجد باشد یا مسجدی باشد که در آن اعتکاف برگزار شود و نماز در آن خوانده شود؛ اما

در آن به حاجت مؤمن توجهی نشود؛ به‌هیچ‌وجه هویت مسجد در آن احراز نشده است. حکمت تشریع جعل این

حکم، تحقق یکی از ابعاد هویتی مسجد است و درحقیقت با این کار صیانت از مسجد صورت گرفته است.

سال گذشته در بحث هویت مسجد، علت بیان این بحث را این‌گونه گفتیم: هنگامی که هویت مسجد بیان شد؛

پس از آن، هر کاری که با آن مطابقت کند، جایز است و هر کاری که هویت مسجد را دچار مشکل کند جایز

نیست؛ یعنی آنچه هویت مسجد بر آن متوقف باشد در صورت واجب نبودن، حتماً مستحب است. ازاین‌رو هویت

مسجد، محوریت پیدا می‌کند که همه‌چیز باید با آن تطبیق کند یا موجب تحققش گردد؛ بنابراین حکمت استحباب

برآوردن نیاز مؤمنین همان چیزی است که موجب تحقق هویت مسجد و مسجدیت می‌شود.

مسجدیت غیر از درودیوار مسجد است؛ گاهی صیغه وقف مسجدی را خوانده‌اند؛ اما ممکن است ماهیت و هویت مسجد را نداشته باشد؛ «بعبارة أخرى لولا اهتمام المسجد بقضاء حوائج المؤمنين لما يمكن القول بتمامية هوية المسجد!»؛ به تعبیری دیگر، اگر اهتمام مسجد به برآوردن حوائج مؤمنین نباشد، نمی‌توان گفت که هویت مسجد تمام است!

چقدر این مسئله «اهتمام مسجد به برآوردن حاجت مؤمن و ارائه خدمات اجتماعی» اهمیت دارد که اگر نباشد می‌گوییم هویت مسجد تمامیت ندارد.

یک نمونه از فتاوایی را که فقها درباره‌ی این موضوع بیان کرده‌اند از کلام جناب کاشف الغطاء بیان می‌کنیم؛ ایشان درباره‌ی اعتکاف می‌فرماید:

«يُسْتَحَبُّ فِيهِ المحافظة على العبادات، من تلاوة، أو دعاء، أو صلاة، أو تدريس، أو تعلّم، أو تعليم، أو ذكر، أو تعزية، أو مدح لأهل الله بشعر أو نثر، أو استماعها، أو قضاء حوائج المؤمنين، أو خدمة المعتكفين، أو إصلاح بناء في المسجد، أو كنسه، أو فرش، إلى غير ذلك»؛ محافظت کردن بر عبادات در اعتکاف، مستحب شمرده شده است؛ ازجمله‌ی آن عبادت: تلاوت قرآن، دعا، نماز، تدریس (درس دادن در اعتکاف)، علم‌آموزی و یادگیری، ذکر گفتن، مدح گفتن خدا و اهل بیت عليهم السلام به شعر یا به نثر یا شنیدن آن، برآوردن نیازهای مؤمنین، خدمت به معتکفین، تعمیر ساختمان مسجد، جارو کردن یا مفروش کردن آن است؛ یعنی همه‌ی این‌ها جزء اعتکاف است، زیرا اعتکاف عبادتی جامع است که چندین عبادت را در برمی‌گیرد؛ و برآوردن نیازهای مؤمنین ازجمله عباداتی است که انجامش در اعتکاف، جایز و مستحب است.

«يظهر للمتأمل أنه لم يفتي بخروج المعتكف عن المسجد لقضاء حوائج المومنين بل يقول باستحباب المحافظة لقضاء حوائجهم حتي في المسجد، نعم لو يقتضي الأمر خروجاً عن المسجد فيجوز قطعاً»؛ برای کسی که اهل تأمل است ظاهر می‌شود که فقیه بزرگوار «کاشف الغطاء» به خروج معتکف از مسجد برای برآوردن نیازهای مؤمنین فتوا نداده است، بلکه می‌فرماید: محافظت قضاء حوائج آنها حتی در مسجد مستحب است [که از جمله عبادات در اعتکاف بود]؛ البته اگر امر، اقتضای خروج از مسجد را داشته باشد؛ قطعاً جایز می‌شود.

«وهذا يوكد على دور المسجد في الاهتمام بأمر المسلمين والمؤمنين»؛ این امر بر نقش مسجد در رسیدگی به امور مسلمانان و مؤمنان تأکید می‌کند.

حکمت بیان‌شده و فتوایی را که از جناب کاشف الغطاء بیان کردیم، دیگران نیز دارند و ما تنها به نمونه‌ای از آنها اشاره کردیم.

در این باره تأیید دیگری را از قرآن کریم با برداشت برخی از مفسران می‌آوریم؛ همان‌طور که گفتیم مرکزیت مسجد با تحقیق و تحقق همه‌ی ابعاد هویتی مسجد است که یکی از ابعاد هویتی مسجد «التجاء الناس الى المسجد» بود که مسجد، پناهگاه و مکانی برای برآوردن نیازهای مردم است. خداوند در هجدهمین آیه از سوره‌ی مبارکه‌ی توبه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنِ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ ۖ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾^۱؛ که پیش‌تر نیز درباره آن مفصل بحث کرده‌ایم^۲؛ این آیه بیانگر تعمیرکننده‌ی مسجد و شرایط اوست که باید ایمان به خدا و معاد داشته باشد، اهل نماز و زکات باشد و جز خدا از کسی نترسد؛ بنابراین هرکسی نمی‌تواند سازنده مسجد و آبادگر آن باشد.

۱ - «مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند»؛ (توبه: ۱۸/۹).

۲ - ر.ک: جلسه ۲۷ و ۲۸ فقه.

سال گذشته ذیل این آیه بحثی پیرامون ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ﴾ داشتیم که مقصود از آن چیست؟ آیا مقصود از آن عمران

مادی بنای مسجد است یا عمران معنوی؟ البته که مقصود از عمران در آیه، عمران معنوی مسجد است.^۱

حضور مردم در مسجد نیز یکی دیگر از ابعاد هویتی مسجد است که سال گذشته مطرح کردیم^۲ و این حضور مصداقی از تعمیر است؛ روایات و کلمات مفسرین را پیرامون آن خواندیم و دانستیم عمارت مسجد زمانی حاصل می‌شود که مردم در مسجد حضور داشته باشند.

خداوند ذیل آیه ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه اوصاف متعددی را برای عمران مسجد بیان کرده است، جناب فخر رازی نیز یک‌به‌یک این صفت‌ها را شرح و توضیح می‌دهد؛ تا به صفت سوم می‌رسد و می‌فرماید: «الصفة الثالثة: قوله: ﴿وَأَتَى الزَّكَاةَ﴾^۳. واعلم أن اعتبار إقامة الصلاة وإيتاء الزكاة في عمارة المسجد كأنه يدل على أن المراد من عمارة المسجد الحضور فيه، وذلك لأن الإنسان إذا كان مقيماً للصلاة فإنه يحضر في المسجد فتحصل عمارة المسجد به، وإذا كان مؤتياً للزكاة فإنه يحضر في المسجد طوائف الفقراء والمساكين لطلب أخذ الزكاة فتحصل عمارة المسجد به»^۴؛ صفت سوم همین عبارت ﴿وَأَتَى الزَّكَاةَ﴾ است؛ [البته جناب فخر رازی ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ را یکی حساب کرده است؛ و اگر بگوییم دوتا است این صفت ﴿وَأَتَى الزَّكَاةَ﴾، صفت چهارم می‌شود.] ایشان ایمان را به‌طور مطلق یکی حساب کرده است، دومین صفت ﴿أَقَامَ الصَّلَاةَ﴾، و سومین صفت ﴿أَتَى الزَّكَاةَ﴾ است. ایشان در ذیل ﴿أَتَى الزَّكَاةَ﴾ می‌فرماید: بدان، همانا اقامه نماز و پرداخت زکات در عمارت مسجد شرط است. این بیان: «کأنه يدل»، تفسیر ایشان است. به‌هرحال برداشت فخر رازی، مطابق آن حکمتی است که بیان کردیم و آن را تأیید می‌کند. «کأنه يدل»، گویا دلالت می‌کند که همانا مراد از عمارت مسجد، حضور در آن است؛ اما این که چه ارتباطی میان

۱ - ر.ک: جلسه ۲۷ فقه.

۲ - ر.ک: جلسه ۲۶-۲۹ فقه.

۳ - توبه: ۱۸/۹.

۴ - تفسیر الرازی = مفاتیح الغیب أو التفسیر الكبير (الرازی، فخر الدین)، ج ۱۶، ص ۱۰-۱۱.

﴿آتَى الزَّكَاةَ﴾ و حضور در مسجد وجود دارد؟ ایشان می‌فرماید: انسان هنگامی که نماز را برپا می‌دارد در مسجد حاضر می‌شود؛ پس آن عمران معنوی مسجد به سبب حضور نمازگزار در مسجد فراهم می‌شود؛ و اما این که چه ارتباطی با زکات دارد؟ جناب فخر رازی می‌فرماید: هنگامی که زکات را پرداخت می‌کند، گروه‌های فقرا و مساکین در مسجد برای دریافت زکات حاضر می‌شوند؛ بنابراین عمارت مسجد که حضور در مسجد است، بدین وسیله به دست می‌آید؛ پس می‌بینید که زکات، مصداقی از رسیدگی به امور مردم است که نمونه‌ای از حمایت اقتصادی از فقرای مؤمن است و این اگر در مسجد انجام بشود سبب عمارت مسجد می‌شود.

و عمارت مسجد و حضور در آن را از هویت‌های مسجد قراردادیم؛ ایشان توجیه دیگری نیز دارد که از آن می‌گذریم. پس آنچه بر نقش مسجد در برآوردن نیازهای مؤمنین و رسیدگی به امور آن‌ها دلالت می‌کند، مؤیدات فراوانی دارد که با تأمل در آیه [سوره ی توبه] و با مفهوم گیری آن، [مقصود] حاصل می‌شود که درباره‌ی ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ﴾ است و با کمک دلیل عقلی از مفهوم آیه بتوانیم این برداشت را داشته باشیم.

روایات و فتوای فقها نیز مؤیدات دیگری در این باره است که در جلسه بعد بیشتر به این موضوع می‌پردازیم.

موسسه علمی فرهنگی